

هیات داوران

انتخاب‌های عجیب هیات داوران
مهم‌ترین حاشیه روز آخر جشنواره بود

بهترین بازیگران جشنواره



بهترین فیلم هنر و تجربه
بهمن و بهرام ارک برای فیلم پوست

بهترین فیلم نگاه نو
سعید ملکان برای فیلم روز صفر

بهترین فیلم مستند
سام کلانتری برای فیلم جایی برای فرشته‌ها نیست

بهترین فیلم مستند
سام کلانتری برای فیلم جایی برای فرشته‌ها نیست

بهترین فیلم کوتاه
سعید نجاتی برای فیلم دابر

بهترین کارگردانی
محمد حسین مهدویان برای فیلم درخت گردو

بهترین فیلم
امیر بنان و مجید مجیدی برای فیلم خورشید

بهترین فیلم از نگاه ملی
سعید ملکان برای فیلم روز صفر

جایزه ویژه سردار سلیمانی
حسن کلانتری برای فیلم آبادان یازده ۶۰

بهترین فیلم نگاه مردمی
رسول صدر عاملی برای فیلم شنای پروانه

بهترین جلوه‌های ویژه بصری (CGI)
محمد برادران برای فیلم خروج

نامزدهای بهترین جلوه‌های ویژه میدانی
محسن روزبهانی برای فیلم آبادان یازده ۶۰

بهترین چهره‌پردازی
مهرداد میرکیانی برای فیلم خروج

بهترین نقش اصلی زن
نازنین احمدی برای فیلم ابر بارانش گرفته

بهترین فیلمنامه
نیما جاویدی و مجید مجیدی برای فیلم خورشید

بهترین نقش مکمل زن
منان طباطبایی برای فیلم شنای پروانه

بهترین نقش اصلی مرد
پیمان معادی برای فیلم درخت گردو

بهترین طراحی لباس
امیر ملک‌پور برای فیلم روز صفر

بهترین طراحی صحنه
کیوان مقدم برای فیلم خورشید

بهترین صداگذاری
مهدی صالح‌کرمانی و آرش قاسمی برای فیلم شنای پروانه

پس از ۱۰ روز هیجان انگیز برای سینمای ایران، شب گذشته، داوران سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، اسامی برگزیدگان این دوره از جشنواره را به شرح ذیل اعلام کردند.

بهترین موسیقی متن
بامداد افشار برای فیلم پوست

بهترین تدوین
اسماعیل عزیززاد برای فیلم شنای پروانه

بهترین فیلمبرداری
مرتضی نجفی برای فیلم تومان

بهترین نقش مکمل مرد
امیر آقایی برای فیلم شنای پروانه

یادداشت

عملگرایی و خروج از انفعال پیشنهاد سینما برای جامعه ایران



امیر عباس مویغ

منتقد

در سالی که «انگل» (ساخته یونگ جونگ‌هو) ابتدا در جشنواره کن بالاتر از فیلم‌های تارانتینو، کن لوچ، ترنس مالیک و پدرو آلمادوار موفق به کسب «نخل طلا» شد و در مراسم آکادمی اسکار نیز که امسال زودتر از همیشه و قبل از اختتامیه جشنواره فیلم فجر برگزار شد، در کمال شگفتی فیلمسازی اسکورسیزی، نوآیامباک، جیمز منگولد، سام مندر و... را پشت سر گذاشت و در اتفاقی بی سابقه برای یک فیلم غیرهالیوودی توانست همزمان جایزه اسکار بهترین فیلم، اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان را از آن خود کند، سینمای ایران تحت تاثیر فضای سیاسی- اجتماعی موجود بازگشتی دوباره به قهرمانان سال‌های دور خود در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ داشت. در سالی که شکاف طبقاتی و نقد سرمایه‌داری جذاب‌ترین سوزده برای سینمای جهان بود و «انگل» و «جوکر» مهم‌ترین فیلم‌های سال لقب گرفتند، پیشنهاد سینمای ایران برای پشت سر گذاشتن بحران‌ها و بن‌بست‌های اجتماعی خلق قهرمانانی بود که سال‌های سال از دیدن آن محروم بودیم. رحمت بخشی (با بازی فرامرز قریبیان) در «خروج» یکی از همین قهرمان‌هاست. قهرمان آخرین ساخته ابراهیم حاتمی کیا در قامت پیرمردی تنها و تک افتاده در روستایی است که مسئولان حکومتی وقتی به یاد او می‌افتند که پیکر پسر جوانش در مقام شهید به روستا می‌آید، پیرمردی با سکوت‌های معنادار و نگاه‌های خیره که بلندترین فریادها را در خود پنهان کرده است و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سینمای ایران در دهه پرفراز و نشیب دهه ۹۰ لقب می‌گیرد تا فارغ از دیده شدن یا کنار گذاشته شدن در جشنواره در خاطر علاقه‌مندان سینمای ایران باقی بماند. شمایل رحمت و حضورش با تراکتور در جاده و شهر، بهترین ترجمان از اعتراضات بخشی از مردم به سیاست‌های اقتصادی دولت در سال اخیر است که فیلمسازش تلاش می‌کند از درون خانواده به اصلاح امور بپردازد هر چند معتقدم «خروج» پتانسیل این را داشت که به مراتب اثری عمیق‌تر باشد و تاثیرگذاری اش حتی از «آژانس شیشه‌ای» و

یادداشت

انتخاب‌های عجیب اما واقعی



معین احمدیان

دبیر گروه فرهنگی

یک فیلم نه در عرض شش ماه یا همین حدودها که برایش در نظر گرفته شده، بلکه طی سی یا چهل سالی که فهم اش طول بکشد نوشته یا فیلمبرداری میشود. اینکه اثری تا سالها محل رجوع جماعتی باشد، اعتبار و امتیازی مهم برای فیلمساز است و البته که به همان اندازه برایش دردسرساز. جشنواره فیلم فجر امسال هم کم نداشت فیلمسازی که فیلمهایشان در معرض مخاطب، زیر سایه آثار قبلی شان قضاوت میشد. نمونه اش همین فیلم سینمایی «خروج» ابراهیم حاتمی کیا که برخی ایراد می‌گرفتند، چرا شبیه هیچ کدام از آثار قبلی اش نیست و آخر سر هم کارگردان آب پاک‌ی را روی دستشان ریخت و گفت: «حاتمی کیا همینی است که جلوی شما نشسته است. من اگر بخواهم پشت شما بیفتم معلوم نیست عاقبتم چه می‌شود. من دوست ندارم چیزی باشم که شما از من می‌خواهید.» غیر از فیلم حاتمی کیا، «خورشید» مجید مجیدی را هم با فیلم قبلی این کارگردان یعنی «بچه‌های آسمان» قضاوت کردند و «خون شده» کیمیایی هم با فیلمهای قبلی اش. مجیدی چندسالی بود از فضای سابق فیلمسازی اش دور شده بود و بازگشت دوباره‌اش به سینمای ایران با استقبال طرفدارانش همراه بود ولی فیلم کیمیایی علیرغم تلاشهایش برای نمایش یک قصه دهه نودی، چنگی به دل مخاطبانش نزد. این دوره از جشنواره، نقطه آغاز فیلمسازی است که از بطن سینمای ایران رشد یافتند و وقتی فیلم اولشان رونمایی شد، با استقبال مخاطبان جشنواره فجر همراه بود. فیلم اولی‌هایی مثل محمد کارت، سعید ملکان، برادران ارک و امیرعباس ربیعی در اولین گام فیلمسازی خود، توانستند مخاطبانشان را راضی نگه دارند. مخاطبان سخت‌گیر سینمای ایران، در سطوح مختلف رسانه‌ای، نسبت به آثار اکران شده در جشنواره، کنش مند هستند و البته که بالا رفتن سطح توقع آنها نسبت به فیلمسازان ایرانی در سالهای اخیر، باعث شده که سینمای ایران به آنچه که در جامعه ایران در حال رخ دادن است، حساس شود. البته که آثار اکران شده با نقطه مطلوب فاصله بسیاری است. به هر حال چه میشود کرد؟! تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران آنچنان سریع است که سینمای ایران در معرض اتهام عقب ماندگی نسبت به واقعیات جامعه است ولی با این وجود تلاش فیلمسازان این دوره از جشنواره فیلم فجر برای تماس شدن با آنچه که واقع میشود، ستودنی است. فیلمهایی مثل «کشتارگاه» و «روز بلوا» اشارات مستقیمی به فساد، رشوه و پولشویی در نظام اقتصادی کشور داشتند و می‌توان نقطه آغاز جریان سینمایی برای سالهای پیش رو باشند.

جشنواره فیلم فجر، در مختصات سینمای ایران، بین مردم و فیلمسازان از جایگاهی برخوردار است که می‌تواند جریان سینمایی کشور را برای سالهای بعد طراحی و هدایت کند؛ مشروط به اینکه انتخاب برگزیدگان جشنواره فیلم فجر دچار محافظه کاری داوران یا لابی‌گری‌های پشت پرده نشود. امسال هم وقتی اسامی نامزدهای جشنواره اعلام شد، شائبه غلبه تصمیمات پنهانی در انتخاب داوران شدت گرفت. نمونه‌ای که محل حیرت بود اینکه نام ابراهیم حاتمی کیا در هیچ کدام از بخش‌های فیلمنامه نویسی و کارگردانی، حتی به عنوان کاندید دریافت جایزه قرار نگرفت. همچنین درباره فیلم «روز بلوا» هم عجیب بود که در هیچ کدام از بخشهای این دوره از جشنواره به عنوان کاندید معرفی نشد. جواد عزتی که پرکارترین بازیگر این دوره از جشنواره بود، فقط به خاطر حضور کوتاهش در فیلم سینمایی «آتابای» کاندیدای بازیگر نقش مکمل مرد شد. این در حالی است که نبود او حتی در میان نامزدهای بخش بهترین بازیگر نقش اصلی مرد عجیب بود.

انتخاب داوران این دوره از جشنواره فیلم فجر، هرچند عجیب به نظر میرسد ولی واقعیت همان چیزی است که مسئولان فرهنگی برای جریان سینمایی کشور می‌پسندند. سینمایی که در فرم و محتوا گرفتار محافظه کاری است.

برای نگه داشتن خانه و جمع کردن اعضای خانه‌اش همه کاری می‌کند. خانه در «خون شده» همان وطن است که فضلی جانش را برای آن می‌دهد، اما خانه و اعضای آن را نگه می‌دارد و فارغ از همه حواشی پیرامون، انصراف کیمیایی از حضور در جشنواره «خون شده» در عین اینکه به مراتب از دیگر ساخته‌های کیمیایی در یک دهه اخیر داستان سراسر استری دارد تا حد قابل قبولی نیز تماس به واقعیت‌های جامعه معاصر می‌شود. عماد (با بازی بابک حمیدیان) در «روز بلوا» قهرمان دیگری است که در مواجهه با یک سوءاستفاده مالی بزرگ از سرمایه‌های مردم به دنبال حق و حقوق آنهاست و در این مسیر حتی رودرروی همسر و برادرش نیز می‌ایستد و آنها را مورد بازخواست قرار می‌دهد. داستان «روز بلوا» یکی از سوزده‌های روز یکی دو سال اخیر بود که محوریت آن حول محور موسسه قرض‌الحسنه‌ای است که خوشنامی عماد باعث جلب اعتماد مردم شد. در این میان افرافیان عماد با سوءاستفاده از این مساله دست به اختلاس می‌زنند. فیلمساز با طرح مساله شروع خوبی دارد که در ادامه نمی‌تواند میان موقعیتی که خلق می‌کند و واقعیت‌های جامعه به تعادل درستی برسد و فیلمش از همین نقطه آسیب می‌بیند و در نهایت در خلق یک موقعیت دراماتیک میان مصلحت (مناسبات خانوادگی) و حقیقت (ارزش‌های اخلاقی) ناکام می‌ماند. با این وجود، تصویر عماد در پوشش یک روحانی معتقد که دغدغه مردم را دارد در خاطر تماشاگر باقی می‌ماند. یاسر (با بازی مهدی نصرتی) در «لباس شخصی» دیگر قهرمانی است که در فیلمی که به خوبی اتمسفر و فضای مهم سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ را به تصویر کشیده است، با ورود به پرده حزب توده در نهایت موفق به کشف واقعیت شده و خودش را به مافوق خود اثبات می‌کند. اوس قادر (پیمان معادی) در «درخت گردو» تصویری از مقاومت و پایداری پدری است که تاخت و مصیبت جنگ او را ختم می‌کند، اما نمی‌شکند که در صورت نبود برخی شیطنت‌های فیلمساز، قطعاً با اثری تماما ملی و میهنی روبه‌رو بودیم. در گزارش سال گذشته مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری انتقادهای زیادی به فاصله میان واقعیت‌های موجود در فیلم‌های سینمایی با واقعیت‌های جامعه شده بود که حال با مقایسه فیلم‌های به نمایش درآمده در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رویکرد قابل توجه فیلمسازان در اهمیت خلق قهرمان می‌توان از این رویکرد به عنوان یکی از نقاط قوت جشنواره امسال یاد کرد. باید منتظر بود و دید آیا قهرمان‌ها، سینمای ایران را نجات می‌دهند؟